

نقدی بر شیوه همسان سازی حقوقی وزارت «عنف»

بعداذ مصوبه مجلس در خصوص همسان سازی حقوقی اعضای هیات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری(عنف) با اعضای هیات علمی غیربالینی دانشگاه‌های زیرمجموعه وزارت بهداشت و درج آن در ردیف **منوچهر ذاکر**

بودجه ۱۴۰۰ بحث‌های فراوانی بین دانشگاهیان در مورد چگونگی همسان‌سازی به وجود آمد که در شبکه‌های اجتماعی و برخی مطبوعات منعکس شد. در ۲۱ فروردین، خبرگزاری ایسنا از قول وزیر محترم وزارت عتف گزارش داد که همسان‌سازی طی دو لایه انجام خواهد گرفت که «یک لایه عمومی است و یک لایه هم‌بحث‌تمام‌وقتی است که مشغول تدوین ضوابط آیین‌نامه‌ای آن هستیم.» دلیل برای دو لایه‌ای کردن افزایش حقوق ناشی از این است که در دانشگاه‌های وزارت‌بهداشت‌نیز حقوق اساتیدبرمبنای تقسیم‌بندی ضوابط خدمت آنان به «تمام وقت» و «تمام وقت جغرافیایی» تعیین می‌شود. موضوع دو لایه‌ای شدن همسان‌سازی، موجه بود و موافقت اکثریت را جلب کرد. با توجه به ابتدای نهاد دانشگاه به مشکلات درون و برون سیستمی و در نتیجه ناتوانی در کسب حمایت از طرف جامعه و نهادهای حمایتی، این انگیزه ایجاد شد که طرح همسان‌سازی می‌تواند فرصتی برای پوست اندازی دانشگاه‌های زیرمجموعه عتف و جلب حمایت کافی از طریق سودمندی دانش‌گاه‌های و فعالیت‌های دانشگاهیان در بخش‌های مختلف جامعه و فناوری فراهم آورد. نگارنده پیشنهادهایی را با این هدف در روزنامه اعتماد مورخه ۱۳۹۶/۰۱/۱۴ مطرح کرده است. برای لایه دوم افزایش حقوق باید فعالیت‌هایی ملاک قرار گیرد که برای اجتماع انسانی، پیشبرد فناوری در بخش‌های مختلف جامعه یا خدمت به صنعت، اصلاح گر و سودمند باشند. در راستای این هدف از اساتید رشته‌های مهندسی، مشارکت عملی و تجربی در پروژه‌ها و از رشته‌های پایه و انسانی است مشارکت علمی و مستقیم در پروژه‌ها یا پژوهش‌نظری در مسائلی انتظار می‌رود که بر خاسته از حوزه‌های عینی، عملی یا صنعتی باشند. قدامن هر محیط فکری در خمدن یکی از معضلات روز جامعه ایران است. آفت‌های همچون سلبریتیزه شدن فرهنگ و بیروی از سلبریتی‌ها، افکار عمومی را از سطح و مصرف‌زده کرده است. یکی دیگر از اهداف اقدامات دانشگاهی باید بهبود آگاهی و تفکر افراد جامعه، استفاده دانش کارآمد و فواید این در بخش‌های مختلف تصمیم‌گیری و مدیریتی کشور باشد.

در روزهای اخیر ابلاغیه‌ای جهت همسان‌سازی حقوقی به دانشگاه‌ها ابلاغ شده که در آن احکام استخدامی به دو نوع تمام‌وقت (میزان یابینی از افزایش حقوق) و تمام‌وقت ویژه (درصد کامل افزایش حقوق) تفکیک شده است. تمام‌وقت ویژه دارای چنین شرایط اصلی است: عضو هیات علمی در آغاز باید دو پایه ترفیع در ۳ سال گذشته گرفته باشد و استمرار احکم او مشروط به ترفیع مستمر باشد که هر سال است. زمان حضورش در دانشگاه ۵۴ ساعت باشد که قبلا ۴۰ ساعت بود. موظفی تدریس ۲۰ درصد افزایش و ۱۴ واحد برای استناد(ار) تعیین می‌شود. فرد متقاضی حق انجام کار فعالیت‌انفعالی خارج از دانشگاه ندارد.

جای تعجب است که وزارت عتف مساله همسان‌سازی راه به دستی حل و فصل نکرده است. این ابلاغیه منجر به هیچ تحولی در کار کرد دانشگاه نخواهد شد و همان شیوه‌ناکارآمد قبلی تکرار و تولید خواهد شد. شرایط مطرح در این ابلاغیه دارای مشکلات اساسی است. وزارت عتف باید این ابلاغیه توجیه‌نکرده که تعدادی از رشته‌های دانشگاهی (به دلیل بحران شغلی) با کمبود دانشجو در مقاطع مختلف تحصیلی مواجه هستند. عملی از ۱۴ واحد موظفی تدریس برای اعضای هیات علمی این رشته‌ها محلا دشوار است. سال‌هاست دو مشکل عمده فعالیت‌های پژوهشی دانشگاهیان همواره نقد و گوشزد شده که عبار تنداز: فقدان ارتباط ارگانیک بین دانش دانشگاهی و حوزه فناوری و نیز سودمند نبودن این دانش برای بخش‌های جامعه و صنعت عمدتاً به دلیل برخی محدودیت‌های بالادستی

و ارزش- هدف‌هایی مانند پژوهش مقاله‌محور، شمارش مقالات و تعداد اجاعات، در طرح پیشنهادی عتف، توجهی به این دو مشکل نشده است. از طرف دیگر آخرین رویکرد وزارت اختنامه به دانشگاه‌ها «خدمت به جامعه و صنعت» است. جهت‌دهی حاصل از شرایط طرح همسان‌سازی وزارت با سازش- هدف‌های مندرج در دکترین خدمت به جامعه و صنعت خلاف یکدیگرند. استادان موظف به ۵۴ ساعت حضور در دفاتر کار بوده و نباید کار و پژوهزهای از بیرون تقبل کنند. پایبند کردن اساتید در دفتر کارشان با این هدف که افزایش حقوق موجه و مشروع شود، مشکلی را برطرف نمی‌کند. اتفاقاً بالعکس به جای اینکه اساتید در دفاتر کارشان وقت سپری کرده و از جامعه ایزوله شوند، لازم است تشویق به حضور در بخش‌های مختلف جامعه، حوزه‌های آموزشی، اقتصاد، فرهنگ، مراکز صنعتی، بیمارستان و… شوند تا مشکلات و بحران‌ها را رصد و آسیب‌شناسی کرده، دانش و مهارت خود را به کار بسته و راه‌حل ارائه دهند و تا حد امکان مشکلات موجود را مرتفع کنند. باید «دفتر ارتباط دانشگاه با جامعه» در هر دانشگاهی راه‌اندازی شده و نتایج فعالیت‌های فوق در این دفاتر گزارش شود. اساتید به جای حضور در اتاق خودشان باید تادر جاتی در بخش‌های مختلف جامعه فعالیت میدانی داشته و به تحلیل مشکلات و نواقص موجود بپردازند. در خاتمه به مسوولان وزا رتخانه پیشنهاد می‌شود، دستورالعمل همسان‌سازی حقوقی را با توجه به انتقادات فوق و متناسب با موازین رویکرد جامعه و صنعت، اصلاح و کارآمد کنند.



گزارش «اعتماد» از نظرات موافقان و مخالفان پرورش تیلاپیا

این ماهی، اکوسیستم آبی کشور را منقرض خواهد کرد

وجود ندارد. فاضلاب استخرهای پرورش ماهی تیلاپیادر یزد بدون هیچ‌گونه کنترلی وارد طبیعت می‌شود و این هم دلیل نگرانی است. باور دارم در اکوسیستم‌های آبی کشور با یک انقراض گسترده و خاموش مواجه هستیم. سوال این است که آیا اکوسیستم‌های آبی ایران تحمل بیشتر گونه‌های غیربومی را دارد؟ ما با پرورش ماهی گونه‌های مهاجم برای تالاب‌ها، خواستار انجام از زیایی ریسک اثرات پرورش تیلاپیا شدو تاکید کرد که در صورت تدابومی توجهی‌ها، انقراض خاموش و گسترده در اکوسیستم آبی کشور، فرگیر و غیر قابل جبران خواهد بود. اصغر عبدلی که این هشدارها را در آخرین نشست موافقان و مخالفان تیلاپیا و هم‌زمان با روز زمین پاک مطرح کرد، در ادامه صحبت‌های خود گفت: «کشور ما به کنواسیون تنوع زیستی در جهان حاصل سه عامل اصلی است که عبارتند از: تخریب زیستگاه و تغییر کاربری آن، برداشت بی‌رویه از موجودات زنده و معرفی گونه‌های غیربومی مهاجم، با توجه به اینکه حضور گونه‌های غیربومی می‌تواند باعث بهم زدن تعادل اکوسیستم‌وحتی انقراض گونه‌های بومی شود، لذا وظیفه ماست که به منظور حفظ تنوع زیستی از رشدن کشورمان موضوعاتی نظیر تیلاپیا را با دقت بیشتر مورد توجه و ارزیابی قرار دهیم. تجارب حضور گونه‌های غیربومی در اکوسیستم‌های آبی کشورمان به اندازه‌ای تلخ بوده که ضرورت کنترل گونه‌های غیربومی دیگر را یادآور می‌شود. خطرات ناشی از جمله اینکه سال‌ها قبل در همین دریاچه مصنوعی چیتگر، ماهی کپور پرورشی ریختند و الان میلیون‌ها ماهی غیربومی در همین دریاچه مصنوعی وجود دارد. همین بلارز بر سر بسیاری از تالاب‌ها و رودخانه‌ها وارد شده و در خیلی از آبندان‌ها، در توره‌های صیادی باید بین هزاران گونه ماهی غیربومی بگرد تا بلکه یکی، دو گونه بومی پیدا کنید. پرورش دهندگان ماهی کپور می‌گویند که گونه غیربومی مهاجم به حدی زیاد است که تولید تولید ندارد چون همه غذایی که در استخرهای پرورش می‌ریزند، صرف‌رشد گونه‌های غیربومی می‌شود. ماهیان غیربومی در تالاب‌های ما غالب شده‌اند. هزاران شغل به همین واسطه از بین رفته، صیادان زیادی بیکار شده‌اند. چطور قرار است که این ماهیان غیربومی را از بین ببریم؟ آیا راه‌حلی دارید؟»

عضو هیات علمی پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی در اشاره به نمونه‌های متعدد دیگر گفت: «تیلاپیا زبلی در تالاب شادگان، ظرف ۳ سال بیش از ۱۰۰ درصد راه به خود اختصاص داد و الان صیادان آن را به اسم داش می‌شناسند. صیادان شادگان معترضند و می‌گویند باید تیلاپیای زبلی را زمین‌برد چون همه چیز را نابود می‌کند. می‌گویند تیلاپیای زبلی از عراق آمده اما ما آن را راهکار می‌بینیم؟ ما حدود ۲۰ سال پیش هشتاد دادیم که این گونه توانایی تبدیل شدن به گونه مهاجم را دارد. در نظر داشته باشید که گونه‌های مختلف تیلاپیا متفاوت هستند و میزان تهاجم آنها هم بسته به گونه‌های مختلف فرق می‌کند. میزان تهاجمی بودن تیلاپیای نیل حتی بیشتر هم هست چون بر خلاف تیلاپیای زبلی تخم را در لانه نمی‌گذارد بلکه در دهان نگه می‌دارد. طبق اعلام رسمی سازمان حفاظت محیطزیست، تیلاپیای نیل از گونه‌های مهاجم و مضر برای تالاب‌هاست و ما در تلاش هستیم که جلوی ورود این گونه مهاجم را بگیریم.

برای پرورش ماهی یک آفت محسوب می‌شود چنانچه استخرهای پرورش خامه ماهی را نابود کرده، به کپور ماهیان آسیب زده، کم‌دورت و کیفیت آب را تغییر داده، بگذریم که رفتار تهاجمی آن روی گونه‌های بومی تا چه اندازه اثر منفی دارد.» عبدلی افزود: «از زیایی اثرات زیست محیطی شاید در دهه ۷۰ یا ۸۰ میلادی مورد توجه بود اما الان باید ارزیابی ریسک انجام شود. ارزیابی ریسک باید در سطح ملی انجام شود، چرا که هیچ‌گونه مدبریتی بر توزیع و جابه‌جایی گونه‌های مختلف ماهیان غیربومی در کشور

شرایط ایجاد می‌کند که ماهی مصرفی متناسب با رعایت‌بسته‌های محیطی معرفی شود. موسسه تحقیقات شیلات کشور در بحث امنیت غذایی، پرورش تیلاپیا را محیط‌های بسته مدنظر قرار داد. باید توجه داشت که براساس آمار فائو، آینده آبی‌پروری دنیا با ۷.۳ میلیون تن نخست به تیلاپیا، سپس میگو و گربه‌ماهی گره خورده لذا نگاه صرف زیست‌محیطی که هیچ‌کاری نکنیم و به محیط دست نزنیم، برای ما در سناریوی دیگری قرار می‌گیرد. دیدگاه ما این است که ضمن توجه به حفاظت محیطزیستی می‌توان مابدریت صحیح‌تر بارشود توسعه آبی‌پروری در جهان همگام شد.»

نزوم توجه و ارزیابی

در ادامه این نشست، حمیدضار ضای، عضو هیات علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، با اهمیت حفاظت از تنوع زیستی اشاره کرد و دو گفت: «از بین رفتن تنوع زیستی در جهان حاصل سه عامل اصلی است که عبارتند از: تخریب زیستگاه و تغییر کاربری آن، برداشت بی‌رویه از موجودات زنده و معرفی گونه‌های غیربومی مهاجم، با توجه به اینکه حضور گونه‌های غیربومی می‌تواند باعث بهم زدن تعادل اکوسیستم‌وحتی انقراض گونه‌های بومی شود، لذا وظیفه ماست که به منظور حفظ تنوع زیستی از رشدن کشورمان موضوعاتی نظیر تیلاپیا را با دقت بیشتر مورد توجه و ارزیابی قرار دهیم. تجارب حضور گونه‌های غیربومی در اکوسیستم‌های آبی کشورمان به اندازه‌ای تلخ بوده که ضرورت کنترل گونه‌های غیربومی دیگر را یادآور می‌شود. خطرات ناشی از جمله اینکه سال‌ها قبل در همین دریاچه مصنوعی چیتگر، ماهی کپور پرورشی ریختند و الان میلیون‌ها ماهی غیربومی در همین دریاچه مصنوعی وجود دارد. همین بلارز بر سر بسیاری از تالاب‌ها و رودخانه‌ها وارد شده و در خیلی از آبندان‌ها، در توره‌های صیادی باید بین هزاران گونه ماهی غیربومی بگرد تا بلکه یکی، دو گونه بومی پیدا کنید. پرورش دهندگان ماهی کپور می‌گویند که گونه غیربومی مهاجم به حدی زیاد است که تولید تولید ندارد چون همه غذایی که در استخرهای پرورش می‌ریزند، صرف‌رشد گونه‌های غیربومی می‌شود. ماهیان غیربومی در تالاب‌های ما غالب شده‌اند. هزاران شغل به همین واسطه از بین رفته، صیادان زیادی بیکار شده‌اند. چطور قرار است که این ماهیان غیربومی را از بین ببریم؟ آیا راه‌حلی دارید؟»

عضو هیات علمی پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی در اشاره به نمونه‌های متعدد دیگر گفت: «تیلاپیا زبلی در تالاب شادگان، ظرف ۳ سال بیش از ۱۰۰ درصد راه به خود اختصاص داد و الان صیادان آن را به اسم داش می‌شناسند. صیادان شادگان معترضند و می‌گویند باید تیلاپیای زبلی را زمین‌برد چون همه چیز را نابود می‌کند. می‌گویند تیلاپیای زبلی از عراق آمده اما ما آن را راهکار می‌بینیم؟ ما حدود ۲۰ سال پیش هشتاد دادیم که این گونه توانایی تبدیل شدن به گونه مهاجم را دارد. در نظر داشته باشید که گونه‌های مختلف تیلاپیا متفاوت هستند و میزان تهاجم آنها هم بسته به گونه‌های مختلف فرق می‌کند. میزان تهاجمی بودن تیلاپیای نیل حتی بیشتر هم هست چون بر خلاف تیلاپیای زبلی تخم را در لانه نمی‌گذارد بلکه در دهان نگه می‌دارد. طبق اعلام رسمی سازمان حفاظت محیطزیست، تیلاپیای نیل از گونه‌های مهاجم و مضر برای تالاب‌هاست و ما در تلاش هستیم که جلوی ورود این گونه مهاجم را بگیریم.

برای پرورش ماهی یک آفت محسوب می‌شود چنانچه استخرهای پرورش خامه ماهی را نابود کرده، به کپور ماهیان آسیب زده، کم‌دورت و کیفیت آب را تغییر داده، بگذریم که رفتار تهاجمی آن روی گونه‌های بومی تا چه اندازه اثر منفی دارد.» عبدلی افزود: «از زیایی اثرات زیست محیطی شاید در دهه ۷۰ یا ۸۰ میلادی مورد توجه بود اما الان باید ارزیابی ریسک انجام شود. ارزیابی ریسک باید در سطح ملی انجام شود، چرا که هیچ‌گونه مدبریتی بر توزیع و جابه‌جایی گونه‌های مختلف ماهیان غیربومی در کشور



باید یک چارچوب مدیریتی برای آن تعریف شود. انتظار ما در موسسه تحقیقات شیلات این است که محیطزیستی‌ها به جای انتقاد راه‌حل ارائه دهند تا اثرات زیست‌محیطی به حداقل برسد. منشآت تیلاپیادر استان‌هایی مانند خوزستان برای مامشخص نیست اما در مورد گونه‌هایی که موسسه تحقیقات شیلات پیشنهاد داده‌ا اگر نگرانی هست ما به نوبه خود علاقه‌مند به دریافت راهکار هستیم.»

امید صدیقی، کارشناس اکولوژی ماهیان آب‌های داخلی سازمان حفاظت محیطزیست هم در پاسخ به آرایه راهکار توسط محیطزیستی‌ها گفت: «از سال‌ها پیش در مورد راهکارها صحبت کرده‌ایم. هر گونه غیربومی باید ارزیابی ریسک شود و متأسفانه این اتفاق نیفتاد و فشار زیادی روی ما وارد شد که مجوز صادر شود. قبول دارم که دوستان شیلات روی این موضوع کار کرده‌اند اما کار آنها بیشتر روی تکثیر و پرورش بوده و ارزیابی ریسکی که توسط پژوهش‌های معدود انجام شده، نشان می‌دهد که ریسک این گونه بالا است به خصوص در شرایط اقلیمی ایران این گونه می‌تواند به راحتی پیوند خورده و گسترش پیدا کند و به شدت هم، به گونه‌های بومی ما به واسطه رقابت آسیب خواهد زد. در ظرف سال‌های گذشته شاهد بودیم که چه بلایی بر سر اکوسیستم‌های آبی آمده. مکاتبات و اسناد مختلف فقط مخالفت نبوده بلکه راهکار هم بوده لذا تا زمانی که شرایط مدیریت و کنترل وجود ندارد، بهتر است روی گونه‌های دیگر کار شود.»

نیما پورنگ، رئیس بخش اکولوژی موسسه تحقیقات شیلات کشور نیز به پخش شدن تیلاپیادر ۱۵ استان کشور اشاره کرد و گفت: «موسسه تحقیقات علوم شیلاتی بنا بر تمامی اسناد و ادله همواره توصیه کرده که پرورش تیلاپیادر چارچوب شرایط کنترل شده محیط‌گلخانه‌ای باشد. خواهش ما از هر دو سازمان اجرایی (شیلات و محیطزیست) این است که پاسخگوی سوالات مطرح‌شده در بخش اجرایی باشند، چون بدون این پاسخگویی‌ها نمی‌توان جمع‌بندی درستی داشت. ضوابط و خروجی‌ها باید توسط سازمان محیطزیست و شیلات در اختیار همه قرار داده شود تا بتوان از زیایی درستی داشت. جلساتی مشابه این جلسه می‌تواند پایه‌ای برای رفع نواقص باشد. متأسفانه این‌نامه‌و ضوابط مشخصی برای کنترل و نظارت بر هر گونه انتقال بدون مجوز گونه‌های غیربومی در سطح کشور وجود ندارد، برای رسیدن به نتیجه در این زمینه نیازمند هم‌افزایی و مشارکت بین سازمان‌های مربوطه هستیم. باید پاسخ داده شود که اگر گونه‌ای به صورت غیربومی وارد کشور شود تولید در دسر کرد، راهکار چیست و چگونه باید برخورد کرد. فقدان راهکار پایشی و فقدان برنامه پایشی جهت بررسی پراکنش گونه‌های غیربومی و مهاجم، باعث معضل جدی است که سازمان‌های اجرایی باید در این زمینه پاسخگو باشند. تا زمانی که متولیان اصلی این کار یعنی سازمان شیلات (به عنوان مسوول توسعه طرح تیلاپیا) سازمان حفاظت محیطزیست (به عنوان مسوول نظارت بر طرح) پاسخگوی سوالات و ابهامات نباشند، نمی‌توان جمع‌بندی درستی داشت.»

تیلاپیای نیل و ابهامات

امید صدیقی، کارشناس اکولوژی ماهیان آب‌های داخلی سازمان حفاظت محیطزیست هم در ادامه این نشست، ضمن اشاره به مساله مهاجم بودن گونه تیلاپیای نیل گفت: «کارشناسی شیلات می‌گویند که تیلاپیای موزامبیک را اتحادیه جهانی حفاظت جزو ۱۰۰ گونه مهاجم معرفی کرده اما این بدان معنا نیست که تنها گونه موزامبیک مهاجم است بلکه تیلاپیای نیل هم باید گونه خیلی مهاجم تلقی کرد. در تالاب شادگان با وضعیت فاجعه‌باری از نظر گونه مهاجم مواجه هستیم و بیش از ۶۰ درصد منقره از تیلاپیای زبلی اشغال کرده. منابع مختلف علمی نشان می‌دهد تهدیدها و مخاطرات ناشی از تیلاپیای نیل دست‌کمی از تیلاپیای زبلی ندارد. ما بررسی طرح موسوم به پرورش تیلاپیا را از سال ۸۶ شروع و بر اساس مطالعاتی که انجام دادیم، با این پروژه مخالفت کردیم. جلسات زیادی در این زمینه داشتیم و در نهایت مشخص شد که تهدیدها و مخاطرات این گونه بیشتر از مزایای آن است. شرایط در کشور ما خیلی متفاوت است، زیستگاه‌های آبی ما بسیار شکننده هستند و فشارهای زیادی روی آنها وارد است و این در حالی است که ما متأسفانه هیچ کنترلی روی جابه‌جایی گونه‌های نایل‌اکثر گونه‌های غیربومی آبی که وارد کشور شد، تقریباً به همه محیط‌های آبی گسترش پیدا کرد و ما نتوانستیم جلوی آنها را بگیریم.»

راهکار مدیریت پرورش تیلاپیا

علیرضا قانلی، سرپرست مرکز تحقیقات آبیان آب‌های شور داخلی موسسه تحقیقات شیلات در ادامه این نشست، در پاسخ به انتقادها گفت: «هن و همکارانم در موسسه تحقیقات شیلات و سازمان شیلات باور زیست‌محیطی داریم و معتقدیم که آبی‌پروری باید با رعایت نکات زیست‌محیطی باشد و این طور نیست که بگوییم آبی‌پروری را به هر قیمتی برای محیطزیست تایید می‌کنیم. هرگز تحقیقات شیلات توجه داشته که بحث پرورش این ماهی در استان‌های ساحلی مطرح نشود بلکه پیشنهاد پرورش در جاهایی مانند استان یزد بوده که آب شور غیرقابل شرب و غیرقابل کشاورزی دارند. تمام تحقیقات ما هم بر این متمرکز بوده که این ماهی به صورت گلخانه‌ای و در فضای بسته باقی بماند. الان هم تیلاپیادر کشور وارد شده و از نظر پرورشی هم اقتصادی است؛ پس به جای حذف این ماهی از بحث آبی‌پروری

طرفداری یا مخالفت

صدرصدی با تیلاپیادرست نیست

عمده آبیان پرورشی ایران و حتی جهان، غیربومی هستند و صرفاً غیربومی بودن یک گونه نمی‌تواند منشأ تهدید محیطزیست یا حتی فرصت آبی‌پروری باشد. کلیه کپورماهیان (کپور چینی و

آریا وزیرزاده

معمولی)، میگو (میگوی پرورشی ایران، گونه پاسفید Litopenaeus vannamei) و حتی قزل‌آلا همگی غیربومی هستند. تنها برخی گونه‌های ماهیان خاوباری پرورشی در ایران بومی هستند که میزان و وسعت تولید آنها قابل مقایسه با سایر گونه‌های پرورشی آبی‌پرورش نیست. از میان ماهیان خاوباری هم گونه سبیری یا سفیدبا استرلیادر ایران غیربومی است البته کپور معمولی در ایران به عنوان گونه بومی وجود دارد اما وارته‌های که هم‌اکنون پرورش داده می‌شود، نژاد مجاری یا بعضاً چینی است. تیلاپیها ماهیانی با دامنه تحمل شوری زیاد (Euryhaline) هستند که می‌توانند خود را با طیف وسیعی از شوری سازگار کنند. یعنی امکان پرورش گونه‌های مختلف از آب ش شیرین گرفته تا آب شور دریا وجود دارد. بعضی از گونه‌های تیلاپیا تحمل بیشتر و برخی دیگر به نسبت، قدرت تحمل کمتری دارند. یکی از مهم‌ترین چالش‌های تیلاپیها مربوط به زمان جفت‌گیری و تخم‌گذاری آنها است که رفتارهای تهاجمی و رقابت شدید با گونه‌های بومی را از خود نشان می‌دهند که البته این ویژگی تهاجمی بودن در زمان جفت‌گیری بیشتر برای گونه‌هایی مطرح است که ایشان‌سازی می‌کنند در حالی که این مساله در مورد تیلاپیای نیل چندندان مصداق ندارد. تیلاپیای نیل اشیان‌سازی نمی‌کند و تخم‌ها را در دهان نگهداری می‌کند. این گونه عمدتاً گیاهخوار است ولی از سایر سطوح تغذیه‌ای از جمله درت‌ت‌خواری، حشره‌خواری و ژئوپلاکتون‌خواری نیز استفاده می‌کند. بر اساس مطالعاتی که در امریکا انجام شده، رفتارهای تهاجمی و رقابت شدید یا گونه‌های بومی است که باعث می‌شود برخی ماهیان بومی کاهش جمعیت داشته باشند. با توجه به رشد جمعیت جهان و از طرفی تمایل مردم برای مصرف غذاهای سالم که در راس آنها نوع آبیان قرار دارد، توسعه آبی‌پروری برای پاسخگویی به این تقاضای صحیح ضروری است و بر اساس گزارش‌های رسمی فائو تنها امید جهان برای تامین جمعیت روبه‌تزايد آبی‌پروری است. نکته مهم دیگری که باید مدنظر داشت این است که برای داشتن صنعت آبی‌پروری پایدار و مسوولانه لاجرم باید از گونه‌هایی استفاده کرد که آسیب کمتری به طبیعت وارد می‌کنند و این تنها از طریق پرورش گونه‌هایی امکان‌پذیر است که برای تغذیه مصنوعی آنها نیاز به جیره‌هایی سرشار از بودر ماهی نیست تا فشار کمتری به صید آبیان از دریا برای تامین بودر ماهی وارد دشود. امروزه پرورش گونه‌های گوشتخواری چون قزل‌آلا و سایر آزادماهیان با چالش بزرگی برای تامین بودر ماهی مواجه هستند، چرا که برای تولید هر کیلو ماهی پرورشی گوشتخوار گاهی تا ۳ کیلو ماهی پروتکل‌های تهاجمی و رقابت شدید بومی می‌شوند و نظر این خطر بسیار بزرگ‌تری است که کارشناسان از آن غافل هستند. لذا در این شرایط پرورش ماهیانی که از سطح غذایی پایین‌تر تغذیه می‌کنند همانند تیلاپیا، رشد سریع و افزایش تولید، منطقی نباشد بلکه باید ممکن است خطرات زیست‌محیطی هم داشته باشد اما اثرات سودمندی نیز بر طبیعت به دلیل نیاز کمتر به استفاده از بودر ماهی در جیره دارند. لذا به نظر می‌رسد طرفداری یا مخالفت صرف و بی‌مدرستی با پرورش تیلاپیای چندان علمی و منطقی نباشد بلکه باید سازمان‌های متولی با حداکثر تلاش و با بهره‌گیری از توان کارشناسی موجود در کشور بتوانند سیستم‌های پایمان پرورش را حداقل آسیب به طبیعت را پیشنهاد کنند. یالمان پرورش که در اکثر کشورهای همسایه ما گونه‌های مختلفی از تیلاپیها پرورش شده می‌شوند و ورود ناخواسته آن همان‌طور که در برخی منابع آبی گزارش شده، امکان‌پذیر است. لذا بهتر است به جای موافقت یا مخالفت صرف به فکر تولید این ماهی با رعایت پروتکل‌های محیطزیستی به منظور بهبود بودر از پتانسیل آب‌های نامتعرف موجود در کشور بود.

دانشیار بخش مهندسی منابع طبیعی و محیط زیست و معاون دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز

گردشگری

جزییات لغوویزای گروهی ایران

روسیه

ویزای انفرادی بین ایران و روسیه لغو نشده است، اما برای سفر گروهی به دو کشور دیگر به ویزا نیاز نیست. ایران و روسیه هفته گذشته «برنامه اجرایی اقدام مشترک برای لغو واید سفرهای گروهی شهروندان دو کشور» را امضا کردند که برپس و توسعه همکاری‌ها به وجود آورده است. لیلیازدری، مدیرکل دفتر بازاریابی و توسعه گردشگری خارجی که وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را در سفر به روسیه برای امضای برنامه اقدام اجرایی مشترک لغو واید گروهی همراه کرده است، به ایسنا گفت: اجرای این برنامه اقدام مشترک لغو واید سفرهای گروهی ایران و روسیه برای دوره زمانی ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ اعتبار دارد که قابل تمدید به دورهای مشابه است. علاوه بر این، با نامه رسمی از سوی وزارت امور خارجه دو کشور، برنامه اجرایی امکان اصلاح دارد. مدیرکل دفتر بازاریابی و توسعه گردشگری خارجی به بیان ساده در باره لغو واید گروهی، گفت: طبق موافقتنامه ایران و روسیه، ویزا یا واید انفرادی لغو نشده و همچنان برای سفر شخصی یا بدون تور به روسیه یا ایران لازم است. به سفر تخرانه مراجعه شود، هزینه و مدارک مورد نیاز بر داخت و آرایه شود.